

نگاه
P O I N T V I E W

مریم شعبان

جامعه‌شناس کودک‌کی و عضو
هیئت علمی جهاد دانشگاهیکار کودک یا
به کار گرفتن کودک؟

مهم ترین بحث در هر جامعه ای، در ابتدا تعریف مفهوم است، اول باید پرسید کودک در جامعه ما چه معنی و مفهومی دارد؟ در واقع کار کودک مسئله ما نیست بلکه به کار گرفتن کودکان برای کار مسئله است. در جامعه مادر گذشته کار کردن کودکان ارزش به حساب می آمد اما پس از تحولات تاریخی در حوزه اقتصاد کشور و صنعتی شدن، باعث شد بحث کار یا استثمار کودکان برای کار مطرح شود.

در سیاست گذاری های حوزه کودکان و تعریف «کار کودک»، باید متناسب با حافظه تاریخی و بسترهای اجتماعی عمل کرد. نکته دیگر، گونه شناسی انواع کار کودک است که در ایران می توانیم آن را به سه دسته تقسیم کنیم: ۱- کودکانی که در خانواده مرفه به دنیا آمده اند و کار برایشان ارزش اخلاقی دارد، برخی از آنان را در بازار می بینیم که مثلا همراه پدرشان فعالیت می کنند. ۲- کودکانی که در خانواده فقیر به دنیا آمده اند و به درآمدشان برای خود و خانواده، نیاز مبرم دارند و با کارشان، نیازهای خود را هم رفع می کنند. ۳- کودکان بدسرپرست یا بی سرپرست که از سوی قیم یا والدین شان به مشاغل کاذب و کارهای آسیب زایی مانند تامین مواد مخدر به کار گرفته می شوند.

درواقع به کار گرفتن کودکان مسئله است، نه کار کودکان. طرح های فوری موثر برای آموزش، سلامت و حمایت، باید پیش از هر گروه دیگر، آن دسته از کودکانی را هدف بگیرد که مورد استثمار قرار گرفته اند و بازخورد این طرح ها هم درباره کودکان ایرانی و اتباع، به اقتضای مسائل مختلفی که دارند، پابستی متفاوت باشد. علاوه بر این از آنجایی که نگاه ما آسیب شناسانه و درمانی است و متمرکز بر چند مسئله خاص، نیازهای دیگر کودکان مغفول می ماند، مثلا کودکان دارای معلولیت یا آن هایی که دچار فقر اقتصادی نیستند، اما با مسائل فرهنگی و تربیتی، روحی و روانی، چالش های میان نسلی و... درگیرند. از سوی دیگر، حوزه آسیب ها، سلامت، تامین اجتماعی و... هریک به نهادهای مختلفی واگذار و موجب شده مسائل، منفرد از هم دیده شوند. سیاست گذاری روی مسائل مربوط به کودکان باید به صورت تفکیکی باشد.

به این صورت که وضعیت کودکان در استان سیستان و بلوچستان متفاوت از کودکان در شهرهای دیگر است. به همین دلیل برای هر گونه ای از کودکان کار در مناطق مختلف کشور باید سیاست گذاری خاص خودش را انجام داد. به نظر من، مواد پیمان نامه حقوق کودک را می توان براساس فرهنگ کشور بومی سازی کرد و این یک حق است. این در حالی است که پیمان نامه حقوق کودک خاصیت تجویزی ندارد و فقط می تواند جلب حمایت کند و در واقع یک سری قول و قرار میان طرفین این پیمان نامه است. بخشی از گزارش نشست «کودکان کار و برنامه های ساماندهی در ایران»، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۹۸



[عکس: پارما پارسایی]



گذشته و حال یک ساماندهی

بررسی طرح ساماندهی کودکان کار خیابانی، مرحله‌ای که طی کرد، مناقشاتی که برانگیخت و مقاصدی که دارد

مستندی وجود ندارد. در آخرین جلسه مجمع کنوانسیون حقوق کودک، از همه سمن ها دعوت شده بود و چنین ادعایی مطرح شد. پرسیدیم این عدد را از کجا آورده اید؟ هنوز که چیزی دست مانر سیده. «اما به هر حال اگر نگوییم ۳۰ بار باطرحی روبه روهستیم که قطعاً نخستین بار هم نیست که اجرا می شود، بنابر این باید آن را از منظر کار آمدی و اثربخشی، جایگاه هر سازمان و بخش در اجرای آن، جزئیات شیوه اجرا و... بررسی کنیم. در گزارشی که در ادامه می خوانید تلاش شده به این سوالات پاسخ دهیم و ما چرا را از زوایای مختلف و از زبان افراد مسئول باز خوانی کنیم.

اشتغال زایی هم می تواند راهگشا باشد و به حل این بحران کمک کند.» همین نگرش بود که بهزیستی و دیگر نهادهای متولی را در طرح جدید ساماندهی، به سمت فقر زدایی از خانواده کودکان کشاند. جعفری در این باره می گوید: «بهزیستی یک سازمان حمایتی است و عمده وظیفه اش کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی، توانمندسازی و بازپروری افراد آسیب دیده است و نقشی در تولید فقر و بیکاری ندارد، بلکه چنانچه به خوبی حمایت شود، ضربه گیر بسیاری از شوک های روانی - اجتماعی موجود در جامعه است. با این حال برای رفع مشکلات اقتصادی خانواده ها تلاش داریم با همکاری دیگر نهادها، حمایت هایی مشروط جهت توانمندسازی و بازگشت به جریان عادی زندگی انجام دهیم. مثلا سال گذشته برای ۲۴ درصد از والدین کودکانی که شرایط حرفه آموزی و کار داشتند، با همکاری سازمان آموزش و مهارتی فنی و حرفه ای، دوره های آموزشی و مهارتی برگزار شد و برای اشتغال، تسهیلات بانکی قرض الحسنه در اختیارشان قرار گرفت. ولی از خانواده ها تعهد می گیریم، حمایت می کنیم، به این شرط که دیگر شاهد حضور کودکشان در خیابان نباشیم. اگر بازگشت کودک به خیابان چند بار تکرار شود، طبق اجازه های که دادستانی به ما داده، بهزیستی می تواند از خانواده سلب حضانت کند. کمیته امداد هم حمایت مشابهی را از گروه های هدف انجام می دهد. یکی از مشکلات این حوزه، وجود فقر مضاعف است؛ فقر فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، بهداشتی، بنابر این مشکلات

حوزه کودک برانگیخت، موجب نگارش و امضای نامه اعتراضی جمعی از فعالان مدنی شد و به برگزاری نشست های گوناگونی با میزبانی سازمان های مختلف، انجامید. میان انبوه انتقادات، یک مورد مشترک شنیده می شد که بازار اعتراضات را گرم می کرد، مبنی بر اینکه در ۴۰ سال اخیر، گفته می شود که پروژه ساماندهی کودکان کار خیابانی حدود ۳۰ بار اجرا شده و شاید آن طور که باید برای ساماندهی کودکان کار موفق نبوده است. عددی که البته رئیس اورژانس اجتماعی کشور با آن موافق نیست و آن را محل تردید می داند: «رسانه ها خیلی گفته اند که این طرح مثلا ۳۰ بار اجرا شده، اما هیچ

دولت وان جی اوها تبدیل شده، وجود دارد: «سالانه با پایان فصل مدارس، حجم زیادی کودک کار به خیابان افزوده می شود. احساسات اجتماعی جریحه دار می شود که چرا آن قدر بچه در خیابان هست؟ و دغدغه مندان سیاست گذاری می پرسند حالا چه کار کنیم؟ یعنی یک سال به این قضیه فکر نکرده اند، بعد با دیدن کودکان سرچهارراه ها تلنگر اخلاقی می خورند، درگیری ذهنی پیدا می کنند، سپس طرح مسئله می شود و روندی را برایش ایجاد می کنند. شورای اجتماعی کشور، بهزیستی را فرامی خواند، درخواست بودجه فرابخشی می دهد و روندی برای حل مسئله آغاز می کند. از این سو، سازمان بهزیستی که در مسئله کودکان کار به دلیل نداشتن بودجه، ناتوانی سازمانی یا هر چیز دیگری، نتوانسته نقش خیلی موثری ایفا کند به این نتیجه می رسد که در چنین وضعیتی، ساماندهی کودکان کار، بهترین طرحی است که این دستگاه ها می توانند اجرا کنند؛ به چند دلیل: بهزیستی می تواند بار دیگر به میدان آمده و قوای خود را برای بهبود وضعیت کودکان کار و خیابان بسیج کند. چون الان دیگران بخش های ذی ربط دیگری هم پای کار آمده اند و می توانند کمک کنند. از سوی دیگر شورای اجتماعی کشور، دغدغه حل مسئله را به شدت دنبال می کند. شاید به این دلیل که عزم شان را جزم کرده اند که در ام القرای اسلامی تهران نباید سر هر چهارراه، کودکی به گدایی یا کار ایستاده باشد. با این اهداف طرح ساماندهی کودکان کار امسال کلید خورد و در مدت زمان کوتاهی، نقدهای آن جی اوها سرازیر

هر سال تابستان که می رسد، در بسیاری از شهر ها مخصوصا پایتخت، کودکان بیشتری را سر چهارراه ها، مترو حتی بزرگراه ها می بینیم که کالا می فروشند، اسپند دود می کنند و شیشه اتومبیل ها را برق می اندازند. این حضور پررنگ پای برخی طرح ها را به میدان سیاست گذاری اجتماعی باز می کند. یکی از این طرح ها که طی یکی، دو ماه گذشته، میان اخبار حوزه کار و اشتغال، شاید هیچ موضوعی به اندازه آن سروصدا به پا نکرد، طرح «ساماندهی کودکان کار خیابانی» بود که از ۲۲ خرداد ماه سال جاری اجرایی شده است؛ برنامه ای که مناقشات جدی میان نهادهای رسمی و آن جی اوها

کلید خوردن پروژه

گزارش

طرح ساماندهی کودکان کار خیابانی از کدام دغدغه و توسط چه نهادی شروع شد؟ این سوال را از رضا جعفری، مدیر کل دفتر آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی و رئیس اورژانس اجتماعی کشور در می پرسم و او در این باره توضیح می دهد: «طرح ساماندهی متکدیان مصوب شورای عالی اداری کشور از سال ۷۸ آغاز شد؛ زمانی که با کودکان خیابانی که در زمره متکدیان محسوب می شدند، شبیه متکدی ها برخورد می شد و حتی آن ها با جماعت متکدیان بزرگسال در یک محل نگهداری می شدند. تا اینکه نخستین آیین نامه ساماندهی کودکان کار خیابانی در سال ۱۳۸۴، تصویب شد که در آن، یازده دستگاه قرار بود نقش ایفا کنند، اما تصریح شد که بهزیستی، شهرداری و سمن های فعال مسئول رسیدگی مشخص به این موضوع هستند. اصلاراه اندازی مراکز ساماندهی کودکان خیابانی که بدسرپرست یا بی سرپرست اند، توسط سازمان بهزیستی مطرح شد، این باور منطقی را داشت که این کودکان گروه های ویژه ای با نیازهای خاص هستند و کارشان در خیابان به شکلی که ما شاهدیم، طبق قانون کار و کنوانسیون حقوق کودک، کودک آزاری به شمار می آید.»

این سوال را از جلال کریمیان، عضو هیئت مدیره انجمن پویش، هم می پرسم. او موضوع را فراتر از طرح ساماندهی ۹۸ می بیند و اعتقاد دارد روند کلی کم و بیش ثابتی پشت طرح های ساماندهی کودکان کار که این روزها به یک چالش جدی میان

شد و خب چه کسی از آن ها دغدغه مندتر است؟ این البته به معنای نادیده گرفتن کارمندان و مددکاران با دغدغه بهزیستی نیست.»

چه بود؟ چه شد؟

فارغ از اینکه برنامه ساماندهی، بار چندم است که اجرا می شود، طبق گفته رئیس اورژانس اجتماعی کشور تلاش بر این است طرح کنونی که پیرو افزایش کودکان کار خیابانی مطرح شده، کاستی قبلی ها را نداشته باشد. اما پروژه های پیشین چه بودند و به کجا رسیدند؟ جعفری توضیح می دهد: «در برنامه ششم توسعه پیش بینی شد که جمعیت این افراد که در آن سال (۱۳۹۵) شش هزار نفر بود، باید در پایان برنامه دست کم ۲۵ درصد کاهش یابد. در حالی که طبق آخرین آمار، هم اکنون حدود پانزده هزار کودک شناسایی شده و از حمایت سازمان برخوردارند. این کودکان دو گروه عمده هستند؛ اول، کودکان خیابان که محل کار و زندگی شان خیابان است. دوم، کودکانی که کارشان در خیابان است و شب نزد خانواده شان بازمی گردند. ۹۵ درصد، این گروه از کودکان اند. از سال ۹۲، با توجه به تغییراتی که در شکل پدیده کودکان خیابانی ایجاد شده بود، سازمان بهزیستی، مراکز حمایتی و آموزشی کودک و خانواده را با رویکرد کاهش آسیب (حمایت از کودک در برابر رفتارهای پرخطر جنسی، استعمال دخانیات، ابتلا به ایدز و...) و خانواده محور (حمایت تحصیلی از کودکان جهت بازگرداندن به چرخه نظام آموزشی، پرداخت کمک هزینه درمانی خانواده،

آموزش فنی و حرفه ای به خانواده های واجد صلاحیت و...) راه انداخت. اما این اقدامات عملاً نتوانستند اهداف مورد نظر مثل کاهش ساعات حضور کودک در خیابان و بازگشت تدریجی به قانون خانواده (حداقل در تهران) چه درباره کودکان اتباع که اکثرشان فاقد اسناد هویتی بودند و چه درباره کودکان ایرانی، محقق کنند که دلایل گوناگونی داشت: عدم امکان حمایت مستمر از آن ها، وجود باند های سازمان یافته برای بهره کشی از کار کودکان، عدم امکان تحویل به خانواده به دلیل احراز نشدن هویت سرپرستان مدعی و... که آمار کودکان کار خیابانی را چندین برابر کرده بود.»

فاطمه قاسم زاده، روان شناس حوزه کودکان کار و عضو انجمن شبکه یاری کودکان کار و خیابان، در گفت و گو با «آینه نو» بر این باور است که «ساماندهی درباره انسان، مفهومی ندارد و بیشتر درباره اشیا کاربرد دارد و پژوهش روی ماهیت و هویت کودکان کار، نمی تواند از مسیر جمع آوری اتفاق بیفتد. باید هم وغم سازمان بهزیستی و سمن ها روی حمایت از خانواده های این کودکان و مسلح کردن آن ها در برابر فقر باشد. آن وقت خواهیم توانست ۲۵ درصد کودکان کار را از چرخه کار رها کنیم.» افخم صباغ، مدیر عامل موسسه «مهر و ماه» هم به «آینه نو» می گوید: «نکته مهم در ارتباط با طرح های ساماندهی این است که بدانیم دولت زمانی موفق عمل خواهد کرد که مرتباً طرح ها را پایش کند تا به جای مبارزه با «کار کودک»، با «کودک کار» مبارزه نکند. در این میان توانمند کردن خانواده ها و